

ویترین درس سوم

فلسفه یازدهم انسانی

عصمت اکبرے / خراسان رضوی / نوخندان

● هر یک از ما با باور هایی درباره جهان / انسان / مرگ / عدالت / زیبایی... داریم که گاه با باورهای دیگران یکسان است و گاهی هم متفاوت و مختلف

● ما با باورهایمان زندگی میکنیم بر اساس آنها تصمیم میگیریم و عمل می نماییم

● ما با دلایل برخی از باورهایمان را می دانیم و برای برخی هم دلیلی نداریم و صرفاً طبق عادت آنها را قبول کرده ایم

● اگر اطرافیانمان را زیر نظر بگیریم می توانیم با از لابلای حرفهایی که میزنند و رفتارهای که دارند برخی از ریشه های فکری آن را کشف کنیم و بدانیم که آنها چه عقیده و طرز فکری دارند


● با تحلیلی خوب 🖱️ از طرز فکر ها و عقاید اطرافیانمان می توانیم حدس بزنیم که آنها در زندگی خود به دنبال چه اهدافی هستند و زندگی برای آنان چه معنایی دارد


● اهل تفکر فلسفی 🖱️ برخی انسانها فارغ از اشتغالات روزانه لحظاتی به تفکر درباره باورهای خود می پردازند و نسبت به پذیرش آن باورها می اندیشند آنها می خواهند به ریشه باورهای خود برسند و چرایی قبول آنها را مرور کند

● کسی که اهل تفکر فلسفی است 🖱️ می کوشد بنیان های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دارد


● اندیشیدن فیلسوفانه 🖱️ تامل کردن درباره باورهای مربوط به زندگی است/ آموختن چرایی/ و یافتن دلایل درستی و نادرستی باورها/ پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست است



● نتیجه اندیشیدن فیلسوفانه چیست 🖱️ در این صورت خودمان بنیان های فکری خود را می سازیم و به آزاد اندیشی می رسیم و شخصیت مستقل کسب کنیم



● باورهای ما  که فلسفه ما را می سازند نقش تعیین کننده ای در انتخاب اهداف دارند

● باورها هستند  که به ما می گویند چه چیزی را هدف زندگی قرار دهیم و از چه چیزی گریزان باشیم

● فلسفه هرکس  معنا دهنده به زندگی اوست

● انسان ها  در رابطه با باورهای فلسفی (مثل جهان، انسان، مرگ و...) به چند دسته تقسیم می شود سه دسته

● دسته اول  برخی انسان ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه که از دور و برشان آموخته اند قناعت می کنند  در نتیجه در انتخاب هدف نیز دقت چندانی ندارند و بیشتر دنبال رو دیگران اند

● دسته دوم  برخی آدم ها در این امور (حقیقت جهان و انسان) می اندیشند و در بسیاری موارد به دانش درستی درباره جهان و انسان می رسند  در نتیجه می توانند هدف قابل قبولی برای زندگی برگزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا کند


● دسته سوم ➡ برخی انسانها نیز نگرش نادرستی درباره جهان و انسان دارند اینان ➡ در انتخاب هدف به خطا رفته اند و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است



● فلسفه هر کس ➡ نقش اساسی در معنا بخشی به زندگی او دارد

● برخی فواید تفکر فلسفی ➡ دوری از مغالطه ها / استقلال در اندیشه / رهایی از عادات غیر منطقی


● یکی از فواید آموختن منطق ➡ توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باور هاست


● فلسفه از این توانایی ➡ منطق (توانایی تشخیص مغالطه ها) کمک می گیرد تا اندیشه های فلسفی درست از تفکرات غلط تشخیص داده شود و راه رسیدن به اعتقادات درست هموار گردد

● فیلسوفان تلاش می‌کنند  با کاستن از مغالطه فهم درستی از حقایق در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد بیان کنند

● فیلسوفان تلاش می‌کنند  نمونه های از مغالطه های فلسفی را جهت عبرت گرفتن دیگران نشان دهند  زیرا برخی افراد گاهی بدون اینکه دقت کنند در زندگی خود باوری را که مبنای آن مغالطه است پذیرفته اند و بر اساس آن تصمیم می گیرند و عمل می کنند

● فیلسوف واقعی  سخن را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه خیالات تعصبات و تبلیغات بنا نمی کند

● فیلسوف واقعی  درباره استدلال ها می اندیشد و اگر به درستی شان پی برد آنها را می پذیرد

● عموم مردم  در مسائل بنیادین فلسفی می اندیشند و نظر می دهند درباره خدا آزادی اختیار خوشبختی و رنج


● **فرق فیلسوف با دیگر مردم** ➡ این است که اولاً فیلسوف درباره مسائل بنیادین به نحو جدی فکر می‌کند ➡ ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد

● **فیلسوف** ➡ تابع برهان و استدلال است نه تابع افراد و اشخاص

● **در بسیاری از مواقع افراد یک جامعه** ➡ افکار و عقاید را می‌پذیرند که پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارد ➡ بلکه بر اثر مرور زمان و یا انتقال از نسلی به نسل بعد به صورت یک عادت در آمده است و اکثر افراد جامعه بدون دلیل آن را پذیرفته اند

● **افراد متفکر و اندیشمند در برابر افکار و عادات غیر منطقی** جوامع ➡ این قبیل افکار را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهند اگر منطبق با عقل و استدلال نبود آنها را نمی‌پذیرند و تلاش می‌کنند سایر مردم را نیز به باطل بودن آن افکار آگاه کند

● **از آنجا که افکار و عادات غیر منطقی مورد پذیرش** مردم (جوامع گرفتار عادات غیر منطقی) است ➡ در ابتدا مردم سخنان متفکران و اندیشمندان را نمی‌پذیرند و حتی دیدگاه‌های متفکران را باطل و انحرافی می‌نامند

● استقامت و پایداری متفکران حق طلب و دلسوز
در برابر جوامع گرفتار عادات غیر منطقی  بالاخره موثر واقع می
شود و باطل بودن آن افکار و عقاید با درخشش حقیقت به تدریج
نمایان می‌شود و بسیاری از مردم عقاید باطل خود را کنار
می‌گذارند و به حقیقت رو می‌آورند

● افلاطون از بزرگترین فیلسوفان تاریخ  تمثیلی دارد که به
تمثیل غار مشهور است

● افلاطون در تمثیل غار  می‌خواهد نشان دهد که چگونه
فلسفه انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می‌کند

● تمثیل غار افلاطون  در کتاب جمهوری افلاطون آمده
است

● زندانیان غار  سایه‌ها را اشیای واقعی می‌پندارند

● اگر فرد رها شده از زنجیر را  مجبور کنند که به یکباره
برخیزد و روی خود را برگرداند و آتش دهانه غار را ببیند یا به

سوی مدخل غار برود و به بیرون بنگرد 🖱️ روشنائی چشم هایش را خیره خواهد ساخت و نخواهد توانست این اشیایی را که تا آن هنگام تنها سایه های آنها را میدید درست ببیند



● فرد رها شده از زنجیر از روشنائی فرار می کند و به سایه ها پناه می برد 🖱️ زیرا آنها را بهتر می توانست ببیند

● اگر فرد رها شده از زنجیر را از غار بیرون آورند او را به طور کامل در معرض نور قرار دهند 🖱️ رنج عظیمی بر او تحمیل می شود که توانایی تحمل آن را از دست خواهد داد و نخواهد توانست هیچ یک از اشیای حقیقی را ببیند و بشناسد

● فرد رها شده از زنجیر 🖱️ اگر به تدریج چشمانش با روشنائی خو بگیرد یکی پس از دیگری انسان ها ، حیوانات و اشیا واقعی را خواهد شناخت و به سایه بودن آن تصاویر که تا چندی قبل آنها را حقیقت می پنداشت پی خواهد برد

● شخصی رها شده از زنجیر 🖱️ پس از مدتی خواهد توانست ببیند و بداند که تا اندازه ای خورشید 🖱️ عامل هر چیزی است که او و دوستانش در زندان به دیدن آنها عادت کرده بودند

● فرد رها شده از زنجیر  هنگامی که غار را به یاد آورد به حال گرفتاران دربند تاسف خواهد خورد و برای رهایی آن ها از زندان تلاش خواهد کرد

● اگر فرد رها شده از زنجیر را  از نور بگیرند و به داخل غار ببرند و در جایگاه قبلی اش قرار دهند به افراد درون غار خواهد گفت که این سایه ها حقیقی نیستند  اما همه حرفهای او را خنده دار خواهند یافت و او را متهم به خراب شدن بینایی اش خواهند کرد

صمیمت اکبری